

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Scientific

علمی

نگارش و ترجمه از: محمد هارون خیل شعشی  
لندن، ۲۰۱۰ میلادی  
۱۱/۰۲/۱۳

## مبانی حقوق افتراء و آزادی بیان

۸

### نقش تفسیر، انگیزه، کنایه و مکالمه در قضایای مربوط به افتراء

برای آنکه بتوان کلمات استعمال شده توسط مدعی علیه را افتراء آمیز تلقی کرد، ضروریست تا کلمات مزبور در میان مردم به معنا و مفهوم افتراء آمیز آن شناخته آید. البته، حتمی و لازمی نیست تا هر یک بر درست بودن آن اعتقاد داشته باشد. کفایت تا کلمات مورد استعمال در باره معترض تا اندازه ای به حیثیت و اعتبار او آسیب رسانده، گرچه فقدان اعتقاد و باور بر مفهوم افتراء آمیز آن خود وابسته به خسارات وارده خواهد بود. شرط مهم و اساسی درین خصوص آنست، که معنا و مفهوم افتراء آمیز کلمات یاد شده باید به شخص مورد اتهام (معترض) انتقال یافته باشد. به عبارت دیگر معترض باید به مفهوم افتراء آمیز آن، پی برده باشد. بدون شک، مدعی علیه همواره دست باز خواهد داشت تا نشان دهد، که کلمات استعمال شده توسط وی، هیچگاه به مفهوم افتراء آمیز آن گفته نشده، بلکه صبغه شوخی و مزاح داشته است یا استدلال نماید، که برخی از معانی نامانوس و جنجال برانگیز گفتارش، در واقع از جانب خوانندگان و شنوندگان فضول، افزوده شده است.

شکل زبان استعمال شده در افتراء اصولاً اهمیت خاص و بسزای ندارد؛ زیرا افتراءهای وجود دارد، که به گونه اظهار نظر، سؤال، اشاره ضمنی، ریشخند، کنایه و غیره استعمال می گردد؛ نظیر طبع نام معترض به عنوان مؤلف در کنار یک اثر بی ارزش یا معرفی معترض به نحوی، که می خواهد با جهان رابطه عاشقانه برقرار نماید (پروسر ۷۴۶).

بی علاقه گی محاکم کامن لا در رسیدگی به قضایای افتراء آمیز، سرانجام منتج به اتخاذ موضع گیری شده، که بر مبنای آن باید کلمات افتراء آمیز همواره به بهترین وجه ممکن آن، مورد تفسیر و تأویل قرار گرفته؛ و معترض نیز باید با تمام نیروی خود تلاش ورزد تا همه معانی و مفاهیم غیر افتراء آمیز را از آن نفی کند. در نتیجه این تصمیم گیری محاکم حقوق تعاملی، مجموعه ای از قواعد تصنعی و بیهوده در خصوص دفاع و اثبات افتراء، پا به عرصه

وجود گذاشته، که برخی از آن تاکنون قابل تطبیق است؛ اما امروزه عموماً عقیده بر اینست، که کلمات و بیانات مورد بحث در شرایط و اوضاع به خصوص باید همیشه به معنای مناسب آن تعبیر و تفسیر گردیده؛ فرض بر آن باشد که معنای کلمات چیزی دیگری جز آن که در محاورات عادی گویندگان اصلی آن زبان استعمال می شود، نبوده است. بدین ترتیب، ساختار مصنوعی و نامناسبی، که توسط شخص مغرض و شرانداز برای کلمات بی غل و غش ایجاد شده، به هیچ صورت نمی تواند معنای افتراء آمیزی به کلمات بیفزاید، که وجودش در شرایط و حالات معین، ممکن به نظر نرسد؛ اما چنانچه شنوندگانی وجود داشته باشند، که به مفهوم افتراء آمیز کلمات استعمال شده، طور مناسب پی برده، در آن صورت تمسک به این واقعیت که گفته شود بسیاری از شنوندگان، ممکن معنای غیرمغرضانه ای از آن استنباط نمایند، از خصوصیت افتراء آمیز کلمات به کار رفته، جلوگیری نخواهد کرد؛ چه مفهوم استنباط شده تعدادی از شنوندگان برای اثبات وصف افتراء آمیز آن، کافی پنداشته می شود؛ مشروط بر اینکه چنین برداشت افتراء آمیز صبیغه مناسب و معقول داشته باشد (پروسر ۷۴۷).

هرگاه کلمه به کار رفته حایز دو معنای مختلف بوده؛ نظیر کلمه فرانسوی که معنای زن فاحشه "cocotte" و تخم جوشیده را می رساند، این مسأله وابسته به هیأت منصفه خواهد بود تا با توجه به شرایط و ظروف بخصوص تصمیم بگیرد، که معنای استنباط شده از کلمه مزبور معنای افتراء آمیز بوده یا خیر؟ قاعده واضح در زمینه همانا قاعده محدودیت معناست، که مبتنی بر آن باید همواره نوشته، مکالمه یا تصویر متحرک به حیث یک کل مورد تعبیر و تفسیر قرار گیرد. علاوه برین، معترض نباید کلمات را از اوضاع و احوال به خصوص استعمال آن خارج ساخته، به کجراهی ببرد؛ زیرا افتراء گنجائیده شده در یک سطر نوشته می تواند در بخش دیگری آن نوشته، توضیح یا نفی گردد؛ اما تأکید و پافشاری غیر ضروری بر قسمتی از یک نشریه؛ مانند عناوین و غیره، که در حقیقت معنای خاصی را افاده می کند، توسط قسمت دیگر آن، قادر به اصلاح نخواهد بود (پروسر ۷۴۸).

شاید یک نشریه علناً خصوصیت افتراء آمیز داشته یا صرف به دلیل شرایط عارضی و اتفاقی، معنای افتراء آمیزی به خود اختصاص نماید. این تمایز علنی و عارضی با تمایز میان افتراء قابل تعقیب و افتراء مستلزم ثبوت خسارات خاص، ارتباط ناگسستگی دارد. هرگاه معنای افتراء آمیز کلمات و بیانات از واقعیت های سرچشمه بگیرد، که در متن ظاهری یک نشریه به چشم نخورد، در آن صورت مسئولیت دفاع و اثبات همچو واقعیت های مرموز و کتمان شده از طریق آنچه به نام مسبب و انگیزه یاد گردیده، بر دوش معترض قضیه قرار خواهد داشت. گذشته ازین، معترض باید با توجه به چنین واقعیت های پنهانی یا کنایه های به کار رفته، به اثبات مفهوم افتراء آمیز آن اقدام ورزد. بدین ترتیب، بیان در باره اینکه فلانی (معترض) گودام یا ذخیره گاه غله خود را آتش زده است، در ظاهر کدام ادعای افتراء آمیز تلقی نمی گردد؛ چه او به عنوان مالک آن ملکیت حق خواهد بود تا حسب خواهش به چنین کاری توسل ورزد؛ اما اگر ادعا کننده (مدعی علیه) در گفتارش از مسأله بیمه آن ذخیره گاه نیز به نحوی کنایه آمیزی ذکر به عمل آورد، که دال بر فریب دادن شرکت بیمه توسط معترض باشد، در آن صورت بدون شک معترض را به اتهام جرم حریق مواجه ساخته، که این امر به خودی خود، مفهوم افتراء آمیزی در بر خواهد داشت. چنان که قبلاً اشاره رفت، بر معترض است تا خصوصیت کنایه آمیز افتراء وارده در همچو موارد را در پیشگاه محکمه به اثبات رساند.

مسبب یا انگیزه در صورت استعمال کلمات یک زبان خارجی یا استعمال آن به مفهوم نامأنوس و غیر عادی، استناد به این واقعیت است، که در محل استعمال کلمات مورد بحث کسانی نیز حضور داشتند، که بنابر دلیلی، به معنای افتراء آمیز یا معنای کنایه آمیز آن پی برده اند.

البته، وظیفه کنایه صرف شرح کلمات در پرتو واقعیت هاست. ازین رو، معترض نمی تواند تحت هیچ نام و بهانه ای چیزی بر معنای افتراء آمیز کلمات به کار رفته بیفزاید، که در انگیزه یا مسبب آن به چشم نخورد. بالاخره این مسأله وابسته به محکمه یا هیأت منصفه خواهد بود تا تصمیم بگیرد، که کلمات به کار برده شده در بیانات مدعی علیه واقعاً معنای افتراء آمیز رسانده یا خیر؟ (پروسر ۷۴۹)

### ارجاع به مکالمه مدعی علیه و دریافت خصوصیت انفرادی یا جمعی افتراء

شاید یک نشریه آشکارا ماهیت افتراء آمیز داشته؛ ولی در ظاهر اشاره به شخص خاصی در آن سراغ نگردد. در همچو حالات بر معترض است تامبنتی برگفتگو و مکالمه مدعی علیه، ثابت سازد که معنای افتراء آمیزی به او منسوب گردیده است. البته، ضروری نیست تا از نام و نشانش به طور خاصی تذکر به عمل آمده باشد؛ چه اشاره به نام و نشان او می تواند شکل غیرمستقیم داشته، که شناخت آن بسته به ظروف و حالات خارج از آگاهی شنوندگان باشد. به همین ترتیب، لزومی ندارد تا هر شنونده حاضر در مجلس به معنای افتراء آمیز کلمات و جملات به کار رفته پی ببرد؛ مشروط بر اینکه در محل وقوع افتراء کسانی نیز حاضر بوده، که قادر به درک معنای معقول و مناسب گفتار مدعی علیه باشند. به هر حال، معنای افتراء آمیزی را که معترض استنباط کرده، باید خواهی نخواهی شکل معقول و مناسب داشته باشد. بدین ترتیب، هرگاه چنین استنباط از واقعیت های بیرونی و تصادفی سرچشمه گرفته باشد، در آن صورت باید به صراحت نشان داده شود، که سایر شنوندگان حاضر در محل وقوع حادثه نیز چنین معنا افتراء آمیز گفتار مدعی علیه را درک کرده اند (پروسر ۷۴۹).

البته، این امر دور از امکان نیست، که توسط عین نشریه، دو یا بیشتر از دوشخص مورد افتراء و هتک حرمت قرار گیرند؛ اما مشکل زمانی بروز می کند، که کلمات افتراء آمیز عوض یک شخص، علیه یک گروه یا طبقه ای از مردم استعمال گردد. در همچو حالات باز هم بر معترض است تا ثابت سازد، که وی نیز در جمع افراد معروض به افتراء و الزام ناروا بوده است. علاوه برین، معترض باید اثرگذاری کلمات افتراء آمیز استعمال شده به وسیله مدعی علیه را نیز بر شخصیت خود نشان دهد. هرگاه گروه معروض به افتراء کمیت بزرگ داشته، در آن صورت فرض قانون بر آن بوده است، که از استعمال چنین کلمات و بیانات افتراء آمیز، نسبت به هیچ شخصی نتیجه ای مرتب نمی شود. ازین رو، اشخاص شامل در آن حق اقامه دعوا علیه مرتکب آن رانخواهد داشت؛ به طور مثال اگر گفته شود: «همه وکیلان مدافع، اشخاص دغل باز و فاقد اصولند.» این گونه بیانات، در واقعیت امر به خاطری غیرافتراء آمیز تلقی می شود، که به شخصیت و اعتبار وکیل معینی لطمه نمی زند؛ و وقتی صدمه به حیثیت و اعتبار شخص معینی مطرح بحث نبوده، از اقامه دعوا به منظور جبران خساره نیز نمی توان سخنی به میان آورد؛ چه استدلال می شود، که درین گونه بیانات عام و کلی کسی می تواند، به جای یک گروه یا طبقه ای از مردم، حتا کلیه بشریت رابه باد اهانت و ناسزا بگیرد، که اقامه دعوا به خاطر حمله بر حیثیت و اعتبار در آن، امر ناممکن و نامعقول به نظر می رسد. لیکن اگر از زمره گروه وکلای مدافع قیل الذکر، وکیل مدافعی درمحل ایراد این چنین بیانات حضور داشته؛ و ثابت سازد که کلمات افتراء آمیز مورد بحث تلویحاً علیه شخصیت وی به کار رفته است، در آن صورت او مسلماً حق اقامه دعوا به منظور اعاده شخصیت و جبران خسارات وارده را خواهد داشت (پروسر ۷۵۰).

این قاعده در خصوص گروه ها و طبقات نسبتاً بزرگی، فرضاً بیشتر از بیست و پنج نفر، به گونه یکسان مورد تطبیق قرار گرفته است؛ اما وقتی تعداد اعضای گروه ها و طبقات معروض به افتراء کمتر از این بوده؛ نظیر هیأت منصفه،

یک خانواده کوچک، هیأت انتخاباتی یا چهار متصدی یک انجمن و غیره، در آن صورت محکمه نتیجه خواهد گرفت، که در بیانات عنوان شده، علیه هر یک از اعضای آن، انگشت بهتان و افتراء دراز شده است. مشکل دیگر زمانی بروز می کند، که استعمال کلمات افتراء آمیز صرف به شخصیت و نیکنامی پاره معدودی از این گروه های کوچک برخورد نماید؛ به طور نمونه اگر گفته شود: « بعضی از پسران فلانی، آدم های دزد و قاتل اند.» در همچو قضایا نیز، به معترض حق اقامه دعوا به خاطر اعاده حیثیت، تفویض نمی گردد؛ زیرا چنان که ملاحظه می گردد، از یکسو همه پسرانش مورد افتراء قرار نگرفته؛ و از سوی هم شناسائی دقیق افتراء شدگان نیز در هاله ابهام قرار داشته است؛ اما طبق نظر واقعبینانه درین گونه قضایا، هیأت منصفه با ارزیابی دقیق شرایط و احوال موجود پیرامون قضیه، تصمیم خواهد گرفت که آیا کلمات استعمال شده علیه گروهی از افراد، واقعاً حمله بر شهرت و اعتبار همه اعضای آن بوده ( که در آن صورت هر یک از اعضای چنان گروه ها حق اقامه دعوا را خواهد داشت) و یا اینکه صرف متوجه عده ای از اعضای آن می باشد. البته، تعداد اعضاء در یک گروه، بر تصمیم گیری هیأت منصفه درین مورد، تاثیر شایانی خواهد داشت؛ مثلاً بیانیه ای که در آن گفته می شود: « تمام دوازده عضو کمیته، اجزای یک تن فاسد اند» به وضوح کلیه اعضای دوازده گانه آن کمیته را متاثر خواهد ساخت.

افتراء جمعی با توجه به پیش زمینه تاریخی آن، سلاح نیرومند علیه اقلیت های نژادی، مذهبی و سیاسی بوده است؛ و در تعدادی از ایالات متحده آمریکا، به جای قوانین مدنی منجر به تطبیق قوانین جزائی گردیده، که در اثر آن امکان جبران خساره برای متضررین همچو افتراء های عام و گسترده، از میان رفته است (پروسر ۷۵۱).